

حمله آمریکا به سوریه و نقش آن در تغییر نظم منطقه ای غرب آسیا

محمدعلی پویشی^۱^۱ دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، کارشناسی ارشد مدیریت بحران، پست الکترونیک: a.a.anlyser@gmail.com

چکیده:

با روی کار آمدن ترامپ، سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب آسیا در دو عرصه گفتار و عمل دستخوش تغییر شده است. پس از افزایش همگرایی آمریکا و محور عربی مرتجع، تحولات سوریه نیز به عنوان سرآغاز این تغییر مورد توجه ترامپ قرار گرفته است. دولت آمریکا با حمله به سوریه نشان داد از سیاست رئیس جمهور سابق این کشور فاصله گرفته است.

سیاست های ترامپ در قبال بحران سوریه و به ویژه حمله نظامی به این کشور را می توان در قالبی جدید و با بهره گیری از استعاره های مختلف مورد بررسی قرار داد و از آنها به منظور تبیین بهتر، دقیق تر و راهبردی سیاست آمریکا در پرونده منطقه غرب آسیا به ویژه سوریه استفاده نمود.

در این مقاله تلاش شده است ضمن توجه عمیق به بعد روانی حمله آمریکا به سوریه، از زاویه جدیدی به مباحث منطقه ای و بین المللی نگریسته شود و رفتارهای دیگر بازیگران پرونده سوریه را نیز مورد واکاوی و ارزیابی قرار داد.

همچنین به رغم گذشت بیش از سه ماه از حمله آمریکا به پایگاه هوایی ارتش سوریه در الشعیرات، اظهارات مقامات بلند پایه آمریکا به ویژه ترامپ نشان می دهد که این حمله و اهداف پشت پرده آن، کارکردی فراتر از یک حمله مقطعی و گذرا داشته است و تلاش دارند از این اقدام نظامی در طولانی مدت بهره برداری نمایند.

واژگان کلیدی: آمریکا، روسیه، جبهه مقاومت، بحران سوریه، حمله نظامی

مقدمه در ۷ آوریل ۲۰۱۷ یعنی یکصد روز پس از آغاز پر حاشیه و حساسیت برانگیز دوره جدید ریاست جمهوری آمریکا، دونالد ترامپ یونینفرم فرماندهی عالی نظامی این کشور را بر تن کرده و با صدور فرمان حمله به پایگاه هوایی الشعیرات در سوریه، سیاست واکنش یک جانبه آمریکا را از عرصه سوری و در قلب منطقه ملتهب غرب آسیا آغاز کرد. این حمله مو شکی که به بهانه واهی بکارگیری نظام سوریه از تسلیحات شیمیایی علیه شهروندان این کشور در استان ادلب صورت گرفت، باعث گردید تا پیچیدگی های ژئوپلیتیک در دو سطح منطقه ای و بین المللی افزایش پیدا کند. این تغییر فزاینده، در حال حاضر در دو بعد خود را بروز و ظهور داده است:

۱- تلاش تیم جدید کاخ سفید برای بازگرداندن چهره یک عامل تنبیه کننده به آمریکا

۲- تغییر در رویکردهای گذشته همراه با تساهل آمریکا در قبال روسیه و تمرکز و فعالیت بیشتر بر روی پرونده سوریه همزمان با توسعه روز افزون نفوذ ج.ا.ایران در منطقه

همچنین، حمله به الشعیرات موجی از برآوردها، احتمالات و سؤالات را در دو سطح سبب شده است:

۱- آیا این حمله یک ابراز خشم موردی و یا تشنج گذرا علیه سوریه می باشد که در پی آن، بازگشت به روند تفاهم را میان بازیگران مؤثر پرونده سوریه شاهد خواهد بود؟

۲- آیا این حمله شاخصی بر دگرگونی کلان راهبرد و رویکرد آمریکا یا هیئت حاکمه ترامپ نه تنها در قبال بحران سوریه بلکه در قبال تمامی موضوعات عرصه بین الملل بویژه روابط روسیه و آمریکا و بطور خاص روابط بین پوتین و ترامپ می باشد؟

حمله به سوریه و پیامدهای آن، تقویت کننده این احتمالات بود که ترامپ عملاً و به صورت جدی، گزینه هایی را درپیش گرفته که در آنها، میل به رادیکالیسم و خشونت فوق العاده در برخورد با بسیاری از پرونده های سیاسی بین المللی احساس می شود و رئیس جمهور جدید آمریکا قصد دارد با یک ضربه، برآوردها و محاسبات منفی را از خود و پوپولیستی و نابخرد بودن خویش زدوده و یک شبه تبدیل به مرد شماره یک آمریکا بلکه به مرد قدرتمند، قاطع و عقلانی جهان تبدیل شود.

این پژوهش با محور قرار دادن حادثه خان شیخون و حمله به پایگاه هوایی الشعیرات، به بررسی سیاست و رویکرد آمریکا در پرونده سوریه از جوانب مختلف می پردازد. همچنین تمرکز این پژوهش بر الگوها و سبک های دخالت آمریکا در بحران سوریه و انگیزه های هیئت حاکمه آمریکا به ریاست ترامپ در دگرگونی و تغییر رویکرد است و اینکه چرا حمله به سوریه به یک ضرورت برای آنها تبدیل شده است و معنا و مفهوم آن چه بوده و نقش مؤلفه های روانی و ادراکی در آن موضوع چیست.

استعاره های مفهومی و زبان شناسانه و بیانی یکی از ابزارها و مدخل هایی است که می توان از آن در تحلیل و تفسیر این رخداد سوریه که بین المللی نیز است، استفاده کرد. این پژوهش می کوشد تا استعاره های مختلفی از افسانه های یونانی همچون «روبه و جوجه تیغی» و «پاشنه آشیل» و موارد برگرفته شده از برخی بازی ها همچون «شطرنج» و از دانش های نظامی همچون «تاکتیک های جنگ و مهار» و «نقاط ضعف» و «نقاط قوت» و از دنیای رسانه و معرفت شناختی مواردی همچون «ادراک» و «فهم»، «برآورد یا تقدیر بد» و تغییر نگرش، بینش و پیش زمینه های ذهنی و یا شناخت های هدفدار در